

## خطر افراط گرایی و افغانستان<sup>۱</sup>

امروزه افراط گرایی به معضل جدی در زمانه ما و کشور ما مبدل شده است، پدیده که در حوزه های متنوع معطوف به "خود مرکز پنداری" و انکار "دیگری" است، همچنان گفتگو را بی ارزش می انگارد و حقیقت را همچون شیء در انحصار خود تلقی می کند، در این صورت است که "کیستی" آدمی به "چیستی" او فرو کاسته می شود و با دامن زدن به تبعیض، فضای فرهنگی جامعه آلوده و دچار تنش می گردد.

افراط گرایی در حقیقت، قرائت حداکثری از باور هایی است که برای "دیگری" ارزش قایل نیست و اصل "بینامتنیت" را به رسمیت نمی شناسد، به همین جهت است که سلسله کشف جهان های متون را با چالش روبرو می کند و آموزه معنا در سلسله "دال های شناور" را با جزم تک معنایی مفاهیم پاسخ می گوید.

افراط گرایی پدیده جدیدی نیست، از گذشته های دور این پدیده موجهه های ناخرسندی تمدن بشری را فراهم نموده و بر رنج بشریت آرزومند صلح و مهربانی افزوده است، اما امروزه این رویکرد به گونه پیچیده در برابر حق توزیع مساوی صداها در افق مفهومی، چالش ایجاد می کند و اصل تکثر فرهنگ ها را با موانع پیشداوری، داستان کلان روایت، جوهر گرایی و بنیاد گرایی روبرو می نماید، افزون بر آنها، مطلق گرایی ای معطوف به هویت سازی بی مدارا را در کانون توجه خود قرار داده و گذشته گرایی و دستیابی به سلطه را جزو مقدسات به شمار می آورد.

افراط گرایی زمانی به خطر واقعی مبدل می شود که لباس تقدس بر تن می کند و با سلاح تکفیر برای تصفیة حساب در برابر حریف و رقیب اش قرار می گیرد، جزم اندیشی که بر امتناع از گفتگو اتکاء می کند، دیگر ناپذیری و خشونت گرایی را ترویج و غلبه قرائت خودی به عنوان دال نهایی را در اولویت قرار می دهد.

مشکل غایی تلقی نمودن قرائت یکسان انگار افراط گرایی، وقتی چهره ناروادار خود را نشان می دهد که قرائت کننده، ذهن و جان خویش را در برابر سایر دلالت ها مانند دلالت عقلی و استدلالی ببندد و دلالت مورد نظر خودش را نیز به سطح دلالت ظاهری، نقد ناپذیر و غیر قابل تفسیر فرو بکاهد، رویکردی که قلمرو های جداگانه

<sup>۱</sup>. سخنرانی پروفسور سید حسین اشراق در سمینار علمی "افراط گرایی و افغانستان".

این سمینار از طرف مؤسسه تسامح، روزنامه آرمان ملی و مؤسسه مطالعات و تحقیقات نبراس به تاریخ ۲۰ / ۹ / ۱۳۹۵ در هتل کابل استار کابل سازماندهی شده بود.

"واقعیت- اندیشه" را مفروض گرفته و چنین می‌پندارد که اندیشه‌های خودی در تطابق تام با جهان "واقع" قرار دارد.

افراط‌گرایی امروزه وارد مرحله‌ی جدیدی شده است، اگر دیروز با خارج شدن از دایره‌ی فرهنگِ سمحه و سهله بخش‌های از متن اجتماعی تمدن ما را دچار مشکل می‌نمود و فقه و کلام و حدیث را به ابزارِ خشونت مبدل می‌کرد، اما تبدیل شدن فرهنگ و اخلاق به ایدئولوژی دیگر ستیز این وضعیت ناهنجار را بوجود آورده تا خرد انتقادی با سرکوب روبرو گردد و مفهوم همزیستی فرهنگ‌ها به رؤیا مبدل شود.

کارکرد عمده‌ی ایدئولوژی‌های افراطی تقویتِ برساختنِ هویت برای یکسان‌سازی است و مرزگذاری‌های خونین و بنیادین میان "خودی" و "دیگری" را بوجود می‌آورد، مرزگذاری که نوعی توهم "همه یا هیچ" را در برابر منطقِ کنش متقابل قرار می‌دهد و ستیزه‌های ناشی از آن، جامعه‌ی ما و جوامع دیگر را با بلای بازگشتِ تنقیح ناشده به گذشته روبرو می‌کند.

امروزه گروه‌های مدعی بازگشت به گذشته، فاجعه بار شده‌اند، آنها با خوانش ویژه‌ی که از دین دارند به هیچ هنجارِ عقلانی پایبندی نشان نمی‌دهند، به سادگی به کشتار اقدام می‌کنند و با خشونت و قساوت بر جان و مال مردم مسلط می‌شوند، جا دارد بسترها، زمینه‌ها، عوامل و پیامدهای افراط‌گرایی به بحث گرفته شوند و مبانی نظری آن در برابر موج‌هایی از نقد و چالش قرار گیرند.

بشریت متمدن بویژه مردمان منطقه‌ی ما و کشور ما نیاز جدی به این دارند که نوعی فلسفه‌ی میان‌فرهنگی را در محور تعامل با یکدیگرشان مهم بیان‌کنند، تا از این طریق فضای معطوف به تغییر تاریخی در جهت خلق فرهنگ جدید دیالوگ احترام‌آمیز میان مشرب‌های مختلف شکل بگیرد و توسعه پیدا کند، و این میسر نیست مگر اینکه برنامه‌های فرهنگی- آموزشی و همچنان ترجیح دادن به توسعه‌ی انسانی و اجتماعی را در کانون توجه‌شان قرار دهند، ضرورت جدی احساس می‌شود تا نصاب و متودهای آموزشی، پژوهش در حوزه‌ی علوم انسانی و شیوه‌های تربیتی ما مورد بازاندیشی قرار گیرند و متحول شوند، به گونه‌ی که محصول آن تعادل و تعامل باشد، روندی که موازنه میان عقلانیت و معنویت را توجیه نماید و خرد دیگر پذیر را در کانون مفاهمه برای توسعه‌ی اجتماعی و امنیت انسانی قرار دهد.

برای رسیدن به این هدف می‌توان ترکیبی از دستاوردهای بشری را مورد استفاده قرار داد، کلام خرد‌گرا، آزاداندیشی عرفانی، روشن‌اندیشی فلسفی و پارادایم علوم اجتماعی انتقادی می‌توانند منابعی مناسبی برای تلطیف فضای فرهنگی جامعه‌ی ما باشد، در غیر آن با شیوه‌های سنتی و رویه‌های سخت‌افزاری نمی‌توان پاسخی برای جان‌های آشتی‌جو پیدا کرد و بدیل افراط‌گرایی را بوجود آورد.

پیشنهاد ما برای جلوگیری از موج های افراط گرایی و خشونت های ناشی از آن، پارادایم فرهنگی - اخلاقی است، می باید بر آموزه های خردگرایی و ارزش های عرفانی سرمایه گذاری کرد تا سموم عاطفی بوجود آمده در وجدان اجتماعی ما زدوده شود و اعتدال به مثابه بستر معقول منش و کنش نسل ما جایگاه شایسته خود را به دست آورد، در رابطه با این امر مهم، دولت ها و مراکز علمی، آموزشی، فرهنگی و رسانه ها در کشور ما و نیز منطقه ما مسئولیت دارند تا راهبرد های آینده نگرانه در زمینه تغییرات فرهنگی - اجتماعی را در کانون توجه شان قرار دهند، زیرا از طریق ارائه الگو های برتر فرهنگی - اجتماعیست که بستر های افراطی گرایی تضعیف می شوند و فرهنگ اعتدال از جایگاه ارزشمندی در حافظه جمعی ملت ها برخوردار می گردد، در غیر آن چشم انداز فردا امید آفرین نخواهد بود.

آرزومندم طبق آجندا، بحث های مربوط به پیشفرض های افراط گرایی، ابعاد کلامی، تفاوت افراط گرایی با جنبش های رهایی بخش، استفاده ابزاری از مدارس دینی به نفع افراطی گری، افراط گرایی و ستم جنسیتی، اثرات روانی افراط گرایی که توسط دانشمندان محترم به بحث گرفته می شوند جنبه های متنوع تدروی را بشکافند و از طریق این سمینار علمی افکار عمومی را بیشتر از پیش در رابطه با ویرانگری های ناشی از آن روشن نمایند، افزون بر آن انتظار می رود همانگونه که آسیب های افراطی گرایی شناسایی می شود راه حل هایی نیز پیشنهاد و ارائه شوند و سرانجام گفتگوهای سازنده که در این سمینار رخ می دهد الگویی برای مکالمه و مفاهمه فعالان عرصه فرهنگی - روشنفکری را بوجود آورد، تا از یک سو گفتمان روشنفکری نفی نفرت در همه ابعاد آن تقویت گردد و از جانب دیگر زمینه هایی برای بسیج افکار عمومی در جهت پرهیز از خشونت گسترش پیدا نماید.

جا دارد این نکته را نیز متذکر شوم که افراط گرایی با وجود آن که از زمینه های فرهنگی و اجتماعی ادیان، مذاهب، نژاد ها و اقوام استفاده می برد، اما واقعیت این است که این پدیده نوعی آسیب اجتماعی است که حتا خاستگاه های خودش را نیز متضرر می نماید، افزون بر آن استفاده ابزاری از گروه های افراطی بواسطه برخی دولت ها و قدرت ها تکان دهنده است، آنها برای رسیدن به هدف های امنیتی و منفعت های مادی، تقابل با ارزش های معنوی و هنجار های تمدن بشری را در پیش گرفته اند، جا دارد جهت افشاء آنها و جلوگیری شان از ددمنشی در برابر وجدان جامعه بشری، تلاش های گسترده صورت پذیرد و تعهدات جدیدی بوجود آورده شود.

در این شرایط مبارزه با بلای خانمان سوز افراط گرایی عزم ملی، منطقی و بسیج جهانی را با کیفیت جدید آن طلب می کند، کیفیت جدید همین است که اصل را بر تغییرات در شیوه های آموزشی و فرهنگی و گسترده نمودن ارزش های معنوی و اخلاقی بگذاریم و مبارزه فعال با عوامل ایدئولوژی های برتری طلب را نیز در پیش بگیریم، در این صورت است که از یکسو به شیوه های نرم افزاری اهمیت اساسی داده شود و از سوی دیگر رویه های

سخت افزاری نیز در هماهنگی با آن و به گونه‌ی چند بعدی ژرفا و پهنا پیدا کند، در غیر آن شیوه‌های یکسویه و تاکتیکی مشکل اساسی افراط‌گرایی را مرفوع نخواهد توانست. امیدوارم همه‌ما سهم خویش را در امر پرهیز از خشونت اداء نماییم و برای بازتاب پیام‌های خودگرایی، دیگرپذیری و به رسمیت‌شناسی تفاوت، بیشتر از پیش مساعی به خرج دهیم، و به قول حضرت بیدل بگوییم:

در مشرب‌زن و از قید مذاهب بگریز      عاقبت نیست در آن بزم که سازش جنگ است

